

بررسی خانه های سنتی ایرانی از منظر پدیدارشناسان و سنت گرایان معنوی

مهدی حمزه نژاد^۱، مینا دشتی^۲

چکیده

تفسیر پدیدارشناسانه از خانه یکی از مهمترین رویکردهای کیفی در این حوزه در ادبیات نظری معماری جهان است که در مورد خانه های ایرانی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در مقابل در ایران همچون بسیاری از کشورهای شرقی رویکردهای معنویت گرایی مثل نگرش سنت گرایان معنوی بیشتر مورد توجه قرار دارد. پژوهش حاضر در پی بررسی این مسئله است که معیارهای کدام یک از دو دیدگاه پدیدارشناسی و سنت گرایی معنوی با مفاهیم خانه سنتی ایرانی بیشتر همخوانی را دارد. و چگونه با استفاده از هر دو نظریه عنوان نگرش های مکمل می توان به ابعاد کشف نشده ای از خانه ایرانی دست یافت. هدف از طرح این مسئله کشف معنا و مفهوم درست زندگی در خانه های سنتی به صورت تحلیلی و مبنایی به منظور اصلاح روند ساخت خانه های قوطی وار و بی روح امروز است. از آنجا که مبنای این دو رویکرد شرقی و غربی که امروزه توسط طراحان ایرانی مورد توجه قرار گرفته اند تفاوت هایی دارند لازم است با بررسی عالمانه شباهت ها و تفاوت های این دو نگرش مطالعه گردد.

این پژوهش ابتدا مفاهیم خانه را از منظر سنت گرایان معنوی و پدیدارشناسان معرفی می کند و سپس به بررسی کالبدی خانه های سنتی ایرانی با این دو نگاه می پردازد و در نهایت با مقایسه این دو رویکرد نظام چند لایه ای از ارزشهای خانه های سنتی ایرانی دست پیدا می کند. همچنین مبانی و شاخصه های ناهماهنگ با خانه ایرانی نیز معرفی می گردد. این تحقیق نشان می دهد که خانه های ایرانی سنتی از جنبه های مختلف پاسخگو هستند و تحلیل آنها با رویکردهای مختلف می تواند دریچه هایی نو از این هنر ارزشمند را در اختیار ما قرار دهد. برای مثال می توان به جوابگویی خانه سنتی ایرانی به ابعاد روان شناختی، وجودی و طبیعت گرا در نگرش پدیدارشناسانه و ابعاد ملکوتی، شهودی و معنوی در نگرش سنت گرایی معنوی اشاره کرد.

واژه های کلیدی: پدیدارشناسی، سنت گرایی معنوی، خانه سنتی ایرانی.

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۵/۲۴

۲۴

شماره ۲-۶
تابستان ۱۳۹۵
فصلنامه
علمی-پژوهشی

نقش
جهان

بررسی خانه های سنتی ایرانی از منظر پدیدارشناسان و سنت گرایان معنوی

۱. مقدمه

خانه فضایی است که انسان در آن رشد می کند و تربیت می یابد. فضایی که در آن زندگی می کند و در کنار خانواده خود احساس آرامش و تعلق پیدا می کند. معماری خانه در شکل گیری شخصیت انسان ها و حتی رفتارهایشان اهمیت ویژه ای دارد از این رو پرداختن به آن به خصوص در عصر پرهیاهوی امروز ضروری به نظر می رسد.

خانه فضایی است که همه مردم به آن نیازمندند و بسیاری از اوقات خود را در آن سپری می کنند. در آن کارهای شخصی خود را انجام می دهند، به خود و به خانواده خود می پردازند و با زندگی در آن به آن معنا می بخشند و این معنا بخشیدن بین انسان و خانه دوسویه خواهد بود. این که خانه مکانی معنادار است و امروزه با تقلیل کیفیت ها، معنای آن تا حد زیادی کم رنگ شده و خانه گاهی تا حد یک سرپناه تقلیل یافته، حقیقتی است که بین دو دیدگاه "پدیدارشناسی" و "سنت گرایی معنوی" مشترک است. اما ارزشهای خانه در این دو نگاه به چه صورت تعریف می شود؟ هریک از رویکردهای مورد نظر تعریفی از خانه ارائه می دهند که به خانه های سنتی ایرانی شباهت دارد. بررسی این شباهت ها در نتیجه گیری پژوهش صورت می گیرد. در واقع مسئله این است که کدام یک از ابعاد خانه سنتی ایرانی در ساختار هریک از دو رویکرد سنت گرایی معنوی و پدیدارشناسی قابل درک است و اشتراکات و تفاوت های این دو رویکرد در نگاه به خانه ایرانی چه چیزهایی هستند

تحلیل خانه های سنتی ایرانی به عنوان بخشی از ارزشمندترین و با هویت ترین آثار معماری و فرهنگی ایران با این دو رویکرد، از این رو حائز اهمیت است که این هر دو رویکرد دارای تفاوت ها و نقاط قوتی هستند که در شناخت هر چه عمیق تر ما را یاری می دهند. پدیدارشناسی از جمله رویکردهای بسیار مهم غربی در عصر حاضر است که بسیاری از مطالعات خود را به درک کیفیت خانه و مفاهیم آن پرداخته و همچنین بر بعد تاریخی خانه و خانه های قدیمی نیز تاکید دارد. از این رو یکی از مناسب ترین رویکردها در شناخت خانه سنتی ایرانی است. از دیگر سو رویکرد سنت گرایی معنوی دارای دیدگاهی حائز اهمیت در شرق است که با پشتوانه نگاهی مذهبی و شرقی نگرشی خاص در تعریف معماری ارائه می دهد و از این رو در شناخت هر چه بهتر خانه سنتی ایرانی مناسب است.

روش پژوهش حاضر ترکیبی از تاریخ پژوهی و استدلال منطقی است چرا که ماهیت دو رویکرد مورد نظر و همچنین خانه ایرانی باز تاریخی یافته اند. این پژوهش

شامل دو متغیر مستقل و نظام مبنا است که پدیده ی خانه ایرانی را در دو تفسیر باهم مقایسه می کند.

۲. تعریف خانه در سنت گرایی معنوی

سنت گرایان معنوی هنر را تجلی واقعیات آسمانی ماوراء عالم در کالبد، تعریف می کنند. این تجلی جز به زبان رمز و تمثیل ممکن نیست. در واقع نماد ها به تعبیر "نادر اردلان" جنبه های محسوس واقعیات های ماوراء طبیعی چیزهایند [۱]. "تیتوس بورکهارت" [۲] جوهر هنر اسلامی را در توحید و تسلیم در برابر خداوند و شهود حاصل از آن می داند و پیروزی هنر اسلامی را نیاز عمیق انسان بر تجلی خدا تعریف می کند. معماری سنتی در این دیدگاه تصویری است از کیهان یا انسان در بعد کیهانی او و این تعبیر به طور خاص در مسجد متجلی می شود. خانه به تعبیری می تواند گسترش مسجد در نظر گرفته شود نصر در کتاب "هنر و معنویت اسلامی" به این نکته اشاره می کند او فضای داخلی خانه های سنتی اسلامی را به واسطه پاک نگه داشتن کف اتاق ها برای نماز و عبادت و خالی بودن آن از مبلمان و عناصر و اثاثیه فراوان دیگر، در پیوندی معنوی با مسجد می یابد. چرا که فضای تهی و "خلوت" اتاق های سنتی حس حضور "روح" را در دل زنده می کند. او همچنین در کیفیت اتاق ها و فضای داخلی خانه به قالی ها اشاره می کند که همچون باغ ها و حیاط های ایرانی، قابی آنها را محصور کرده است و به نظرمی رسد که به مرکزی درونی نظر دوخته اند و بازتاب بهشت اند [۳]. خانه؛ مکانی است که انسان با کاهش دغدغه های روزانه در آن به جمعیت خاطری برای تفکر در باب خویش و خدای خویش دست می یابد. فضایی برای رشد و تعالی افراد خانواده. رسیدن به احساس آرامش یکی از مهمترین اهداف در طراحی خانه در این رویکرد است. خداوند نیز به این نکته اشاره کرده است.

والله جعل لكم من بيوتكم سكنا [۴]

در واقع در این دیدگاه آدمی مظهر "کلمه الله" است، مظهري که نماینده ی هر آنچه در آفرینش مقدم بر اوست. او در این جهان نقش مرکزیت عالم را دارد و نقطه محوری میان قوس نزول و عروج است. انسان کامل عالی ترین نمونه آفرینش است و بر آن است که سرشت خداوارش را در جامعه سنتی به فعلیت در آورد [۱] و خانه مکانی است که در پرتو معنویت و آرامش انسان را به هدف غایی خویش نائل می کند. خانه به شکلی نمادین و همواره، هدف غایی انسان و جایگاه حقیقی او را در جهان، به او متذکر می شود. در واقع نمادها انسان را از ماده و ظاهر به سطوح

معانی متعالی هدایت می کنند و بدین شکل به زندگی او معنا می بخشند.

برای درک کیفیتهای خانه در این دیدگاه، شناخت اصول معماری سنتی اسلامی ضروری است. "نادر اردلان" و "لاله بختیار" [همان] عناصر ضروری معماری سنتی اسلامی را کلیدی برای درک این اصول معرفی می کنند، که عبارتند از: سمت یابی فضا، استقطاب کیفی و رابطه موجود بین فضا و صورت، کیفیاتی که در قالب نور، هندسه و وزن نمود میابند. این سه عنصر را "بورکهارت" جزء ارکان اصلی معماری اسلامی معرفی میکند.

۱-۲. سمت یابی فضا

جهت یابی برای انسان در فضا معنامند است و از اهمیت ویژه ای برخوردار است. امکان جهت یابی به فضا کیفیت منحصر به فرد میدهد [همان]. برای مثال اتاقهای خانه می توانند مرکزگرا یا مرکزگریز باشند. ارتباط اتاق با فضای اصلی خانه بر اساس یک نظام محوری متشکل از اتصال، انتقال و وصول است. در معماری سنتی اسلامی این نظام مبنای طرح تداوم فضایی مثبت در نظر گرفته می شود.

۲-۲. مرکزیت کیفی

حیاط در خانه زاینده نیروی مرکزگراست. مرکزیت، اجزای به ظاهر مختلف خانه را به هم پیوند میزند و از این طریق خانه را به کل واحدی تبدیل می کند که به اصل وحدت اشاره دارد. حیاط به منزله روح خانه است که در آن "باغ بهشت" تجلی میابد و مرکزیت آن نوعی پیوند تنگاتنگ با تمام اجزای خانه را در پی دارد. با استناد به سوره نور، نور در معماری اسلامی نشانه پرتوی الوهیت تعریف می شود، و حیاط های پرنور و در ارتباط با طبیعت در مرکز خانه باعث ارتقاء حس آرامش در سراسر آن خواهد شد. وجود حوض در مرکز حیاط خانه نیز در جنبه نمادین، آسمان را به زمین می کشاند و ملکوت را با ملک یگانه می سازد.

طبیعتی که در حیاط خانه تجلی می یابد برای فرد مسلمان سرآغاز سیر انفسی و رسیدن به معانی الهی است. او باور دارد که زمین و هرآن چه در آن است زنده اند و در کار عبادت پروردگارشان. گای ایتن [۵] در مقاله "شکوای زمین" به این نکته اشاره دارد که انسان باید با حیوانات، گیاهان و زمین در عبادت خداوند همراه و هم آوا شود.^۱ در واقع حیاط مرکزی در این بحث، نقش کلیدی دارد. حیاط خانه به عنوان یک مرکز قدسی قطبی کننده فضاهای اطراف خویش است.

۳-۲. رابطه موجود بین فضا و صورت:

فضا توسط دیوارها و مرزها از صورتهای مادی دیگر جدا می شود و به این شکل مکانیت آن افزایش مییابد. در این نگرش فضا به عنوان مبدا پیدایش صورت مطرح است نه شکل. در واقع صورت هایی که در فضا شکل گرفته اند به آن کیفیت می بخشند [۱]. در نتیجه مرزها و صورتهای خانه در ایجاد فضایی با کیفیت مناسب، هویت مند و سرشار از آرامش نقش به سزایی ایفا می کنند. نادر اردلان در کتاب "منشور حقوق اسکان" به مفهوم دیوار اشاره می کند و آن را عنصری ساختاری و اصلی در محدود و محصور کردن فضای شخصی معرفی میکند. در واقع مرزها و دیوارها فضا را محدود می کنند و کیفیت آنها را تحت تاثیر قرار می دهند. شکل های به کار رفته در این نوع معماری از هندسه و اعداد نشات می گیرند. که هر یک دارای کیفیات ذاتی مختص به خود اند برای مثال شکل مکعب که در بسیاری از اتاق ها و حیاط ها استفاده می شود نماد کمال و ثبات است و نظم نهفته در آن با حالات درونی انسان همخوانی دارد.

در معماری سنتی هر یک از عناصر تحدید کننده فضا، یعنی کف، دیوارها و بام معانی نمادین و اهمیت ویژه دارند. کف نمادی از زمینی است که عالم صغیر روی آن برپاست. دیوار نمادی از سومین بعد فضا به دست می دهد و بام نماد آسمان و روح است [همان]. این عناصر با کیفیات و ویژگیهای منحصر به فرد فضاهای اصلی خانه را به وجود می آورند. فضاهایی چون اتاق، حیاط مرکزی و ایوان ها که کهن الگوهای خانه را شکل می دهند. حیاط به منزله روح خانه، اتاق ها چون جسم و ایوان عنصری وصل کننده و نفس خانه است.

۳. تعریف خانه در رویکرد پدیدارشناسی

"باشلار" به عنوان یک پدیدارشناس خانه را مجموع خیالاتی تعریف می کند که به آدمی دلایل یا اوامع موجود در ثبات را ارزانی می دارد [۶]. پدیدارشناسان آثار هنری را بازنماینده وضعیت زندگی می دانند و معماری را عینیت بخشی فضای وجودی تعریف می کنند [۷]. تعبیر کلمه باشیدن یا سکونت کردن در واقع تشخص یافتن توسط مکان و شاید توسط خانه است. مکانی که به انسان امکان جهت یابی و این همانندسازی داده و در او احساس تعلق ایجاد می کند.

از نظر باشلار "تجربه و زندگی" با مفاهیمی چون ادراک حسی، خاطره و یادآوری، تخیل و رؤیا، آرزوها و احساس درونی در ارتباطی تنگاتنگ قرار دارد. خانه در دیدگاه

باشلار مکانی است که در آن عنصر تخیل، اندیشه ها، خاطرات و رؤیاهای آدمی را به هم پیوند می زند. مکانی "درونی" که انسان را از "بیرون" جدا کرده و او را در تعامل با آن قرار می دهد. باشلار سکونت را در تخیل و رؤیا بررسی می کند و از این رو خانه به خلوتگاهی درونی تبدیل می شود (Hashemi:1996) ۲

باشلار (1994) جنس خاطراتی را که در خانه شکل گرفته اند از خاطرات جهان بیرون جدا می کند به نحوی که خاطرات خانه به اندوخته ی رویاهامان می افزاید و این فایده خانه در نگاه باشلار است؛ رویاپردازی. او فضای خانه را فضایی شاعرانه تعریف می کند که درک ژرفای شاعرانه آن با یادآوری از طریق شعر ممکن است. ۳

"یوهانی پلاسم" نیز به مفاهیمی چون خاطره و رویا اهمیت می دهد. او وظیفه معماری را گشودن پنجره ای به سمت واقعیت ثانوی می داند. او واقعیت ثانوی را با کلمه هایی چون ادراک، رویا، خاطره و تخیل تعریف می کند (Pallasmaa:2005).

تعبیر "هایدگر" در مورد خانه نیز با مفهوم "گذشته" رنگ می گیرد؛ به سان کشتی سرگردان، خانه قطعه ای برجسته از گذشته است. (Ahmadinezhad:2009, P34)

"شولتز" ساختار فضا را به دو مولفه فضا و شخصیت تقسیم می کند. او "فضا" را نحوه سازماندهی عناصر مکان تعریف می کند و مهمترین عوامل شکل دهنده آن را مرکز، تمرکز و دیالکتیک درون و بیرون معرفی می کند. او همچنین درک شخصیت فضا را مشروط بر دو عملکرد روان شناختی "جهت یابی" و "شناسایی" میدانند. (Schulz:1980)

شولتز موفقیت انسان را در تعریف عرصه درونی و بیرونی، مهمترین شرط سکنی گزیدن او میدانند و بر مرکز نیز توجه ویژه دارد. او هر مکانی که معنایی را آشکار می کند به عنوان مرکز معرفی می کند. به عقیده شولتز کاراکتر خانه باید ایمن و حفاظت کننده و فضای آن متمایز و معنادار باشد. (Schulz:1980) او در کتاب "مفهوم سکونت" این چنین به شخصیت خانه اشاره می کند: "خانه با مطرح شدن به عنوان پیکره ای معمارانه در محیط، هویت ما را محرز کرده و امنیت را بر ما ارزانی می دارد. و سرانجام، هنگام پای نهادن به خانه به «آسایش» دست میابیم (Schulz:1984).

پدیدارشناسان معتقدند ذات خانه با مفهوم "زندگی" بیشترین قرابت را دارد. ۴. یوهانی پلاسم خانه را بنایی معرفی می کند که در روند مطابقت با ساکنانش به خانه

مبدل شده است. او خانه را گستره و مجموعه ای از شرایطی تعریف می کند که خاطرات، تصاویر، آرزوها، وحشت ها، گذشته و حال را یک جا سامان می دهد. او همچنین پدیدار شدن خانه را به گذر زمان و زندگی ساکنانش مرتبط می داند. خانه ای که ضرب آهنگ زندگی شخصی ساکنانش ماهیت آن را شکل می دهد (Pallasmaa: ۵). مفهوم خانه در این دیدگاه با خاطره رنگ می گیرد. در واقع خانه می تواند ما را به یاد گذشته و خاطرات شیرین و تلخ مان بیاندازد و این ابتدای فرآیند این-همانی و شکل گیری احساس تعلق و احساس هویت است. هایدگر مفهوم سکونت را با رسیدن به آرامش که زمینه رشد و پرورش آدمی است، تعریف می کند.

از دیدگاه پلاسم (1992) خانه از سه نوع عنصر ذهنی یا نمادین تشکیل شده است:

۱. عناصری که پایه در سطح عمیق فرهنگ ناخودآگاه دارد. مثل ورودی خانه، اجاق و...

۲. عناصری که با زندگی شخصی و هویت اهالی خانه ارتباط دارد. مثل خاطرات و ارثیه خانواده

۳. نمادهای اجتماعی که برای دادن پیام ها و تصاویر خاصی برای افراد بیرون به کار می رود. مثل نشانه های ثروت، آموزش و هویت اجتماعی. ۶

گاستون باشلار خانه را مفهومی درونی می یابد که رؤیاها و خاطره را به هم پیوند می زند. او برای رؤیا و خیال اهمیت ویژه ای قائل است و خانه را بهترین مکان برای شکل گیری آن معرفی می کند. او به اولین خانه ای که هر فرد تجربه اش کرده و نقش آن در شکل گیری شناخت ضمنی ما از خانه، تاکید می کند. ۷

۴. بررسی کالبدی خانه سنتی ایرانی با رویکرد سنت گرایی معنوی

خانه ایرانی به تعبیر سنتگرایان تشکیل شده از «حیات»، «ایوان» و «اتاقها» که به ترتیب نماینده «روح» و «نفس» و «جسم» اند. طبیعت آفریده خداوند و نمادی از او است. از این رو حیات که دربرگیرنده طبیعت است، روح خانه نامیده می شود و به عنوان واسطه ای عمل می کند که جهت معنوی خانواده را معین کرده و هویت خصوصی خانواده را محقق سازد. اتاقها نیز نمایی از «مکعب انسان» اند و وابستگیشان با خانه همچون وابستگی فرد به خانواده است. در میان اتاقها تالار نمایشگر تاریخی ناگسسته تا به امروز است. سکو در خانه ایرانی به مفهوم «تخت» است که در آن بعد افقی در قالب ترازهای ارتفاعی



نگاره ۴: تجلی نور و رنگ در درب‌ها و پنجره‌ها و استفاده از رنگ سفید برای دیواره اتاق هادر خانه های سنتی ایرانی تزیینی ساده و در عین حال نمادین و پرمعناست. خانه طباطبایی هادر کاشان



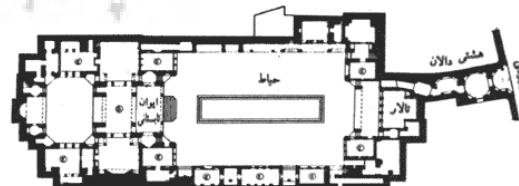
نگاره ۱: خلوص در فرم و هندسه و استفاده از طبیعت به نقش تمادین حیاط به عنوان روح خانه تاکید می کند که در مرکز قرار گرفته و به واسطه ایوان‌ها به اتاقها وصل می شود. خانه طباطبایی هادر کاشان



نگاره ۲: استفاده از هندسه برای اشاره به اصل "از کثرت به وحدت". آسمانه خانه عامری ها در کاشان



نگاره ۵ و ۶: استفاده از تزیینات رنگ، نقاشی و آینه کاری به صورت اغراق آمیز در برخی از اتاقهای خانه های سنتی اگرچه ابعاد نمادین هم داشته باشد ولی تجملی بیش از حد دارد. همین ویژگی در برخی خانه های تجملی و اشرافی پدیدار شناسانه (مثل خانه روبی) دیده می شود. این خصلتها با مبانی قدسی و طبیعت گرایی که شعار دو مکتب است فاصله دارد، خانه زینت الملک در شیراز تزیینات در خانه روبی، اثرارایت



تشفه ممکف Ground Floor Plan

نگاره ۳: استفاده از هندسه مستطیلی در حیاط و اتاق های اصلی در نگرش سنتگرایی نماد کمال و ثبات است. این هندسه در پدیدار شناسی به ویژه در ارتباط با فضاهای طبیعی چندان مطرح نیست پلان همکف خانه بروجردی ها در کاشان



نگاره ۷: ایجاد دیالکتیک پویا در حیاط و اتاق ها، خانه عامری هادر کاشان



نگاره ۸: خانه باشخصیتی آرام و ایمن، خانه بروجردی هادر کاشان

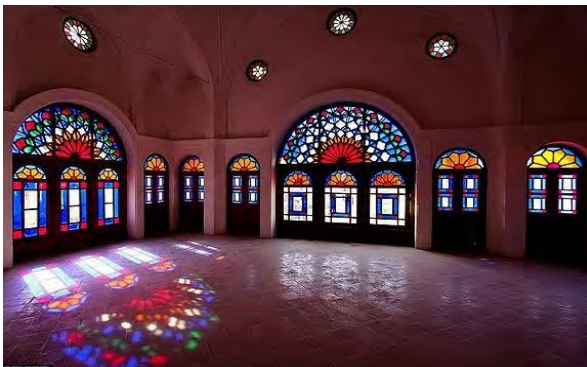
۲۹

شماره ۲-۶
تابستان ۱۳۹۵
فصلنامه
علمی-پژوهشی

نقش جهان

بررسی خانه های سنتی ایرانی از منظر پدیدارشناسان و سنت گرایان معنوی

نگاره ۱۱ و ۱۲: ایوان یکی از مهمترین مظاهر پدیدارشناسانه خانه ایرانی است که برارتباط با طبیعت تاکید می کند. البته سنت گرایان ایوان را مظهر نفس انسان می دانند که واسطه جسم و روح است و حیاط را مظهر روح و اتاق را مظهر جسم معرفی می کنند. خانه عباسیان در کاشان (نگارنده)، ویلا مایرا، اثر آلوارو آلتو.



نگاره ۱۰: مرزها میزان محصوریت اتاق را تعیین می کنند، خانه طباطباییها در کاشان



نگاره ۹: مرزها میزان محصوریت اتاق را تعیین می کنند، خانه طباطباییها در کاشان

متغیر نمود می یابد. سکوها در غرفه ها یا در نشاندگی های درون اتاق قابل مشاهده اند و برجسته ترین فضای سکودار همان «شاه نشین» خانه است و در نهایت ایوان ها به عنوان فضای انتقالی واصل بین عوالم زمانی و زمینی اند [۱].

از دید سنت گرایان در معماری سنتی هیچ چیز از معنا خالی نیست. «شکل های هندسی» به کار رفته در خانه های سنتی برگرفته از نمادهای هندسی و اعداد اند. به روایت سنتگرایان «نور» عمده ترین مشخصه معماری ایرانی است و نمادی از «عقل الهی» و «وجود» محسوب می شود.

دلیل آن این است که درک هیچ صورتی بدون وجود نور ممکن نیست [۲]. رنگها نیز در این رویکرد اهمیت نمادین دارند، از این رو که رنگها در انقطاب نور ظاهر می شوند نمادی از «جنبه های گوناگون وجود» اند. رنگ در تمام هنرهای اسلامی اهمیت داشته است. برای مثال رنگ سفید نمادی از «وجود» می باشد و ماهیت بی آرایه بودنش نمادی از وحدت را تداعی می کند. رنگ ها نمود عالم وجود اند و رنگ سفید در فراز همه آنها قرار دارد. [۳]. در پیشگفتار کتاب حس وحدت در واقع رنگها و مصالح به طوری در خانه سنتی نمود می یابد که نشانگر کیفیات ذاتی و آسمانی چیزها باشد.

آینه از دیگر عناصر نمادین در معماری سنتی است که در تزئین بسیاری از خانه ها دیده می شود. آینه به دلیل ویژگی درخشش و انعکاسی که دارد در معنای نمادین با جوهر عرفان تناسب دارد. آینه به گفته بورکهارت وحدت شاهد و مشهود را به نمایش می گذارد و از این رو نزدیک ترین رمز به مشاهده معنوی است [۲].

۵. بررسی کالبدی خانه سنتی ایرانی با رویکرد پدیدارشناسی

برای بررسی خانه های ایرانی از نگاه شولتز می توان به عناصر فضا و شخصیت (کاراکتر) آن توجه کرد. خانه های ایرانی عموماً درون گرا و مرکزگرا هستند و مرکز آنها طبیعت (حیاط) است. مرزها و دیوارها با کیفیت ها تزئینات و سایه روشن های بسیار حیاط و اتاقها را تعریف کرده اند و بازشوهای مختلف در جداره ی ایوان ها و اتاق ها کیفیات متنوعی از ارتباط و دیالکتیک حیاط و اتاق ها را رقم زده اند. کاراکتر خانه ایرانی به دلیل حضور طبیعت سرشار از آرامش و زندگیست، و به دلیل وجود فضاهایی با کیفیتهای متفاوت، و نمود خاص نور و رنگ در اتاق ها سرشار از خیال انگیزی و خاطره انگیزی.

یکی از شاخصه های مورد توجه فضا از منظر پدیدارشناسی چون پلاسما [۸]، ادراک پذیری آن توسط تمام حواس از جمله لامسه و بویایی است. این تاکید در مقابل معماری بصرمحور قرار دارد. با کمی دقت در کیفیات حسی خانه های سنتی ایرانی می توان این کیفیت را در فضاهای مختلف خانه حس کرد. در واقع در این خانه ها هر فضایی با عطر و بوی خاص خود و با ارتباطی که با باد و باران و آفتاب دارد حواس لامسه و بویایی انسان را درگیر کرده و تشخیص می یابد.

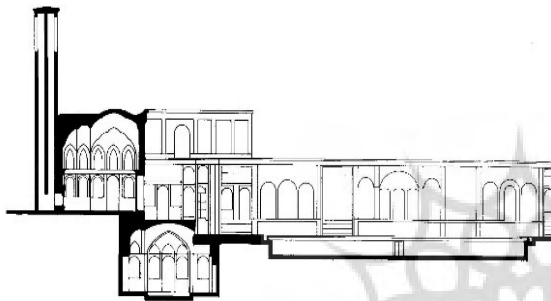
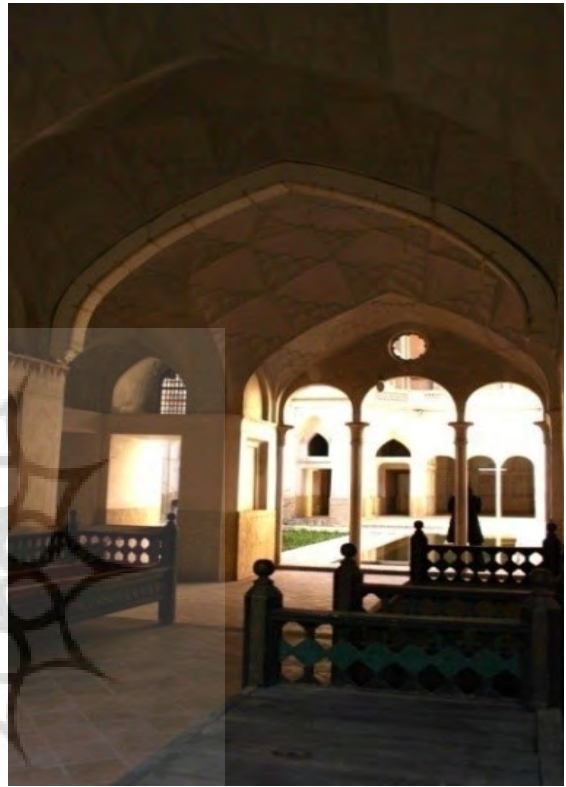
خانه های ایرانی از دید بشلار [۶] نیز زیباست. او خانه هایی تو در تو و با دالانها و گوشه های دنج و بالاخانه و زیرزمین را فضایی مناسب برای خلوت کردن و یادآوری خاطراتی میدانند که در سکونتگاه ناخودآگاه زندگی می کنند. فضاهایی که سرشار از خاطرات خصوصی ماست. فضاهایی که در خانه های قدیمی ایرانی به وفور یافت می

جدول شماره ۱، بررسی شاخصه های کیفی خانه در رویکرد سنتگرایی معنوی (ماخذ: نگارنده)

توجه به مراتب انسان و تشبیه نمادین خانه به انسان کامل	مبانی محتوایی خانه
اهمیت ارتباط با روح و معنا	
توجه به نمادهای ملکوتی	
شکل گیری خانه با حیاط، ایوان و اتاقها که به ترتیب نماینده روح و نفس و جسم اند.	اصول کالبدی خانه
تاکید بر طبیعت به عنوان آفریده خداوند و نمادی از او.	
رابطه موجود بین فضا و صورت (صورت و مرزها عناصر تحدید کننده فضا، یعنی کف، دیوارها و بام)	
سمت یابی فضا (تداوم فضایی مثبت)	
استقطاب کیفی (مرکزیت توسط حیاط به منزله روح خانه)	
توجه به نور و رنگ به صورت نمادین و عملکردی	
استفاده نمادین از شکلهای هندسی و اعداد	
استفاده از آینه در تزئین بسیاری از خانه ها در معنای نمادین جوهر عرفان	



نگاره ۱۵: انعکاس نور ماه بر حوض آب و موج آب بر جداره های حیاط در شب یا بازی سایه درختان بر دیوارها در روز بر خیال انگیز شدن خانه تاثیر می گذارند، خانه عامری ها در کاشان



عکس شماره ۱۶: تنوع فضا در سطوح ارتفاعی مختلف و وجود فضاهای تو در تو و امکان خلوت و «زندگی درونی خصوصی»، کیفیتی است که باشلار بر آن تاکید می کند و در خانه های قدیمی ایرانی کاملاً مشهود است، خانه بروجردی ها در کاشان

نگاره ۱۳ و ۱۴: ایجاد فضای دنج برای خلوت کردن در هر دو نگرش دیده می شود با این تفاوت که در پدیدارشناسی خلوت با طبیعت است ولی در سنت گرایی خلوت بیشتر با مظاهر مجرد طبیعت مثل آسمان است و طبیعت سبز در آن کمتر دیده می شود. خانه KIDOSAKI در ژاپن اثر تادائو آندو، خانه عباسی های کاشان (نگارنده)

پدیدارشناسی

نگاره ۱۷ و ۱۸: طبیعت در هر دو دیدگاه نقش محوری دارد با این تفاوت که در نگاه پدیدارشناسی طبیعت عموماً به صورت آزاد و بکر استفاده می شود و خود محور توجه است اما در نگرش سنت گرایی طبیعت به شکلی کنترل شده و در قالب هندسه ای خاص نقش نمادین ایفا می کند. خانه عباسی های کاشان (بیدالله نقی زاده) حیاط ویلا ماپرا اثر آلوارو آلتو



شود. البته خلوت در هردو نگرش مهم است با این تفاوت که خلوت سنت گرایانه بیشتر معنوی است و به همین دلیل فردی و ساده است ولی خلوت پدیدار شناسانه طبیعت گرا تر است. در خانه های سنتی ایرانی طبیعت جزء بسیاری از فضاهای خلوت است اما عناصر فضا به شکلی طراحی شده اند که تاکید بر نوعی خلوت درونی و معنوی دارند.

اتاق ها با دیوارهای پرتزیئینات و مملوء از تالو نورهای رنگی و حیاط با حوضی در میانه که در طول روز ماهی های قرمز رنگ کوچک و بزرگ را در آغوش دارد و شب ها نور ماه را بر دیوارهای خانه منعکس می کند. شاید بهترین نمود خانه ای است که بشمار بر اهمیت رؤیا پردازی در آن تاکید دارد. خانه ای که خاطرات را به واسطه تخیل به رؤیاهای آدمی پیوند می زند.

۶. مقایسه دو دیدگاه

شبهاتهایی بین دو رویکرد پدیدار شناسی و سنت گرایی معنوی وجود دارد که آنها را قابل مقایسه می کند. توجه و تاکید آنها به ارزشها و مفاهیم گذشته و نقد جریان مدرنیته از آن جمله است. هر دو رویکرد با نقد توجه صرف به مادیات، بر تجلی معانی در فضا تاکید دارند. کشف و شهود حقیقت و دست یابی به معانی از اهداف این دو رویکرد محسوب می شود. در بحث های بنیادین فلاسفه این دو دیدگاه، توجه به "وجود" حائز اهمیت است. در نگاه ملاصدرا وجود حقیقت واحدیست که دارای مراتب مختلف است. هایدگر نیز مانند ملاصدرا وجود را بر ماهیت ذات مقدم می داند و به وجود انسان تاکید خاص دارد. [۹] او تفکر در مورد وجود و معنای آن را لازمه ورود به حوزه هنر می داند [۱۰]. این دو رویکرد توجه ویژه ای به

جدول شماره ۳، مقایسه بین دو رویکرد پدیدار شناسی و سنتگرایی معنوی (ماخذ: نگارنده)

تاکیدات پدیدار شناسی	تاکیدات سنتگرایی معنوی	ویژگی های خانه ایرانی	
بودن برای مرگ	بودن برای فراسوی مرگ	مفهوم زندگی	محتوی ای
تنها موجودی که می تواند هستی را به ظهور رساند	اشرف مخلوقات و جانشین خداوند	جایگاه انسان	
ارزش گذاری در مسیر زمینی و مادی و طبیعتی (نفی نمادهای غیبی و مثل افلاطونی)	ارزش گذاری از نگاه مثالین و ملکوتی	نگرش عمیق و بنیادی به جهان	
-----	خانه نماد مفاهیم معنوی و ماورائی	تاکید بر نماد	
طبیعت به عنوان هدف و غایت	طبیعت به عنوان نماد و آیات خداوند و وسیله رسیدن به او	توجه ویژه به طبیعت	
تعریف فلسفی	تعریف معنوی	توجه به وجود	تفاوتها
ایوان یا تراس از عناصر اصلی خانه به علت ارتباط با طبیعت	ایوان به عنوان فضای انتقالی و واسطه جسم و روح	وجود ایوان	
محل تمام شدن یک دنیا و آغاز یک دنیای دیگر	عنصر تعریف کننده حریم و روابط انسانی	تعریف مرز	
-----	تاکید بر هندسه مقدس	تاکید بر هندسه	
خلوت با طبیعت	خلوت با مظاهر مجرد طبیعت مثل آسمان	توجه به خلوت	
برونگرایی اتاق	درونگرایی داخل اتاق	ارتباط با بیرون	
-----	-----	-----	
هر دو فضاها را خاطره انگیزی می دانند.	هر دو شخصیت و هدف اصلی خانه را رسیدن به آرامش تعریف می کنند.	هر دو به مصالح اهمیت ذاتی می دهند.	محتوی
-----	-----	هر دو آرامش انسان را با اتاقهای مستطیل شکل ایجاد می کنند.	
-----	-----	هر دو تاکید به تنوع ترازها (در سکوها و فضاها) دارند.	
-----	-----	هر دو نقش محوری برای طبیعت قائل اند.	
-----	-----	-----	کابردی
-----	-----	-----	
-----	-----	-----	
-----	-----	-----	
-----	-----	-----	کابردی
-----	-----	-----	
-----	-----	-----	
-----	-----	-----	

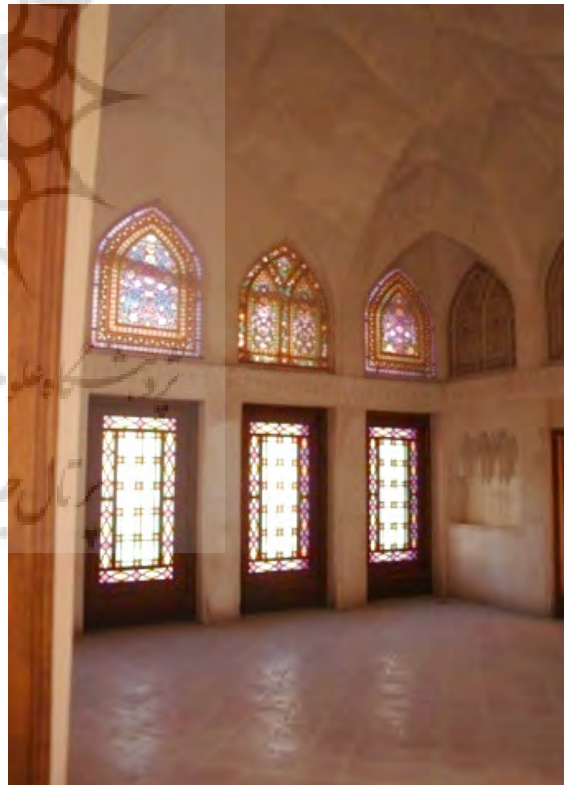
طبیعت و محوریت آن به عنوان پدیده ای مقدس دارند. با این تفاوت که در دیدگاه پدیدارشناسان طبیعت به



معنای هستی است و به نوعی، "هدف" در نظر گرفته می شود، در حالی که در دیدگاه سنت گرایان قداست طبیعت به واسطه نمادین بودن آن و اشاره آن به خداوند است.

در نمود های عینی ترین این دو رویکرد شباهت های بسیاری دارند. تاکید بر عناصر خانه، کف، دیوارها و بام یا توجه ویژه به ارتباط درون و بیرون چه از لحاظ کالبدی و چه از لحاظ معنایی از این جمله اند. البته اشاره به این نکته ضروری است که مفاهیم نهفته در این عناصر به دلیل تفاوت های موجود در جهان بینی، با هم متفاوت اند.

شاید عمده ترین تفاوت در این دو جهان بینی در معنای زندگی است. به نحوی که هایدگر مرگ را جزئی از طبیعت می داند و زندگی را «بودن برای مرگ» تعریف می کند. در حالی که برای سنت گرایان معنوی زندگی «بودن برای فراسوی مرگ» است [۱۱]. ولی هر دو دیدگاه تاکید ویژه ای بر جایگاه انسان در این جهان دارند. سنت گرایان معنوی انسان را با استناد به کلام وحی اشرف مخلوقات و جانشین خداوند بر روی زمین می دانند و پدیدارشناسان نیز جایگاه والایی برای او قائل اند. به نحوی که هایدگر انسان را در جایگاهی معرفی می کند که تنها او می تواند هستی را به ظهور رساند [۱۰].



از دیگر شباهت های دو رویکرد که نمود عینی دارد می توان به نحوه استفاده از مصالح در خانه اشاره کرد، به نحوی که نصر رسالت هنر در بینش اسلامی را شرافت بخشیدن به ماده تعریف می کند و به تجربه مستقیم معماران مسلمان سنتی از واقعیت مصالح و معرفت شهودی و در عین حال تجربی آنها به اشیا اشاره می کند [۳]. و این نکته با صحبت های هایدگر در مورد حقیقت اشیا و اهمیت صداقت مصالح در نگاه پدیدارشناسان بی ارتباط نیست.

جدول زیر به جمع بندی مقایسه صورت گرفته می پردازد. این جدول نگرشی جامع در مقایسه دو رویکرد ارائه می دهد که به نظر می رسد به عنوان مبنایی برای طراحی قابل استفاده باشد.

نتیجه گیری

تعریفی که سنت گرایان از هنر قدسی ارائه می دهند، با مفاهیم وجود و حقیقت وجودی اشیا مطابق است و این بحثی است که پدیدارشناسان بر آن توجه ویژه دارند. با این تفاوت که نگاه پدیدارشناسان عمدتاً نگاهی فلسفی

نگاره ۱۹ و ۲۰: تک تک عناصر کالبدی خانه به نقش نمادین کیفیتهایی چون نور و رنگ و هندسه و وزن فضا اشاره دارند به شکلی که فضاها به مکان تبدیل شده و به آن «دیگر چیز»ی که هایدگر می گوید یعنی حقیقت هنر اشاره دارند، خانه عباسی های کاشان، ماخذ: نگارنده، خانه عباسی های کاشان (نگارنده)

۳۳

شماره ۲-۶
تابستان ۱۳۹۵
فصلنامه
علمی-پژوهشی

نقش
جهان

پژوهشی
خانه های سنتی ایرانی از منظر پدیدارشناسان و سنت گرایان معنوی

است. حال آن که سنت گرایان به معنویت اهمیت ویژه ای قائل اند. با این حال دواصل مهم در این زمینه ذات گرای و نمادگرایی است که در هر رویکرد یکی از آنها از اصول اساسی به شمار می آیند و دیگری نفی شده است. همچنین باید اشاره کرد که با وجود نگرش عمیق به جهان در هر دو رویکرد، پدیدارشناسان با نفی نمادهای غیبی و مثل افلاطونی مسیر جهان را از زمین و ماده و طبیعت دنبال می کنند. حال آنکه سنت گرایان هر چیز را از نگاه مثالین و ملکوتی ارزش گذاری می کنند. این تفاوت بنیادین در نگرشها تفاوتهای دیگری را از جمله در زمینه نمادگرایی، مفهوم زندگی، وجود و طبیعت، منجر می شود. از جدول شماره سه که در واقع چکیده ای از پژوهش صورت گرفته است می توان نتیجه گرفت که بحث های محتوی ای که برای هر دو رویکرد مورد اهمیت اند قابل توجه است. اما بیشترین تفاوتها بین دو رویکرد در نوع نگاه به همین بحث های محتوی ای است.

پژوهش انجام شده همچنین نشان می دهد که خانه سنتی ایرانی به چنان سطحی از هنر و حقیقت رسیده است که سطوح مختلفی از معانی را به آشکارگی برساند. فضاهای چنین خانه ای علاوه بر پاسخگویی به نیازهای روزمره، زندگی انسان را به خاطر و رویا متصل می کند و نیازهای مختلف روانی او را پاسخگو است. خانه سنتی ایرانی با انسان هویت می گیرد و به او هویت می بخشد و با درگیر کردن حواس پنجگانه انسان، به شناخت ضمنی او از خانه رنگ می دهد. خانه سنتی ایرانی همچنین به سطوح برتر معانی نیز اشاره دارد و فرد مسلمان را تا معنویت بالا می برد و نهایتاً توجه او را به خدای واحد جلب میکند.

در واقع می توان چنین نتیجه گرفت که خانه سنتی ایرانی، به عنوان هنر قدسی در بالاترین مرتبه هنر قرار دارد و از طریق رمز به بالاترین سطح معانی متصل است و به فراخور مخاطب خود سطوحی از حقیقت را آشکار کرده و نیازهای او را پاسخگو خواهد بود.

پی نوشت ها

۱. مرد یازنی که در کانون طبیعت در حال قیام، رکوع و سجود است، عضوی از محفل جهانی است و با تسبیح کل آفریدگان پیوند دارد. قرآن می فرماید: «هر چه در آسمانها و زمین است، تسبیح گوی خداوند است» [۵]. ذکر خداوند سپری است در برابر وسوسه،

و مهمیزی برای حفظ ما بر «صراط مستقیم» که عبور بر آن را برای ما هموار می سازد. اگر پیروی از این رهنمود را برگزینیم، با حیوانات، گیاهان و خود زمین همراه خواهیم بود و در این صورت و تنها در این صورت است که زمین دلیلی برای شکایت نخواهد داشت [۵].

۲. باید نشان دهیم که خانه یکی از بزرگترین قدرتهای ترکیب کننده ی اندیشه، خاطره و رویای آدمی است [۵]. برای روشن شدن متافیزیک خودآگاه، باید در انتظار تجاری باشیم که در خلال آن وجود به بیرون پرتاب می شود، یعنی به جایی خارج از وجود خانه، وضعیتی که در آن ستیزه جویی آدمی و دنیا به هم گرد می آیند. اما متافیزیک کامل یافته با پیوند خودآگاه و ناخودآگاه تمایز ارزشهای آن در را در خویش حل می کند. در درون وجود و در وجود درون، گرمایی مطبوع پذیرای وجود است. [همان] شاید بیشتر با یادآوری از طریق شعر، بتوانیم ژرفای شاعرانه ی فضای خانه را لمس کنیم. در این صورت اگر فایده خانه را از من بپرسید، خواهیم گفت: «خانه پناهگاه رویا پردازی است. خانه به آدمی امکان می دهد که در آسودگی رؤیا بپردازد. اندیشه و تجربه تنها ارزشهای آدمی را نمی سازند بلکه ارزشهای منوط به رؤیا پردازی نشان عمق انسانیت است. رویا پردازی حتی شاخص شجاعت است؛ خوشنود به خویشتن خویش. بنابراین مکانهایی که ما در آن رؤیا یافتن را تجربه کرده ایم، در رویایی تازه گرد هم می آیند و بدین خاطر خاطرات ما از ماوهای گذشته از طریق رویا پردازی دوباره زنده می شوند و این ماوهای گذشته در ما جاودانه می شوند. [همان]

۳. مفهوم ذاتی خانه توسط اهالی آن در چهارچوب بنایی که احاطه اش کرده محفوظ نگاه داشته می شود. [۱۲]

۴. روشن است که خانه یک شی یا ساختمان نیست بلکه گستره و مجموعه ای از شرایط است که خاطرات و تصاویر، آرزوها و وحشتها، گذشته و حال را یکجا سامان می دهد. یک خانه همچنین مجموعه ای از آیینها، ضرب آهنگ های شخصی و روال عادی یک زندگی هرروزه است. خانه را نمی توان یک باره پدید آورد؛ خانه از بعد زمان و تداوم برخوردار است و محصول تدریجی تطبیق خانوادگی و فردی با جهان است. [۱۲]

۵. به نظر می رسد خانه از سه نوع عنصر ذهنی یا نمادین تشکیل شده باشد: عناصری که پایه در سطح عمیق فرهنگ ناخودآگاه دارد. (ورودی خانه، اجاق)، عناصری که با زندگی شخصی و هویت اهالی خانه ارتباط دارد. (خاطرات و ارثیه خانواده)، نمادهای اجتماعی که برای دادن پیامها و تصاویر خاصی برای افراد بیرون به کار می رود. (نشانه های ثروت، آموزش و هویت اجتماعی...) [۱۲]

۶. از طریق رؤیا، سکونتگاه های مختلف زندگی ما بر هم اثر می گذارند و از گنجینه روزهای گذشته نگهداری می کنند. با رفتن به خانه جدید، وقتی خاطرات مکانهای دیگر که در آن ساکن بوده ایم به سراغمان می آید، به سرزمین کودکی و به سرزمین سرشار از سکون پای می نهیم؛ سرزمینی که ساکنان آن فراموش شده اند. با دل بستگی ها زندگی می کنیم و خود را با زنده کردن خاطرات پناه جستن آرامش می بخشیم. چیزی بسته خاطرات ما را نگاه می دارد، در حالی که در بردارنده ارزشی نمادین یعنی خیال است. [۶]

۷. از طریق رؤیا، سکونتگاه های مختلف زندگی ما بر هم اثر می گذارند و از گنجینه روزهای گذشته نگهداری می کنند. با رفتن به خانه جدید، وقتی خاطرات مکانهای دیگر که در آن ساکن بوده ایم به سراغمان می آید، به سرزمین کودکی و به سرزمین سرشار از سکون پای می نهیم؛ سرزمینی که ساکنان آن فراموش شده اند. با دل بستگی ها زندگی می کنیم و خود را با زنده کردن خاطرات پناه جستن آرامش می بخشیم. چیزی بسته خاطرات ما را نگاه

An Interdisciplinary View; symposium
at the University of Trondheim, 23-21
August.

می دارد، در حالی که در بردارنده ارزشی نمادین یعنی خیال است.
[۶]

فهرست منابع

- 1-Ardalan, Nader; Bakhtiar, Laleh (1999)
The Sense of Unity: The Sufi Tradition in
Persian Architecture, ABC International
Group.
- 2- Burckhardt, Titus (2009) Foundations of
Oriental Art & Symbolism-World
Wisdom, Published by Ionut-Gabriel
Funingana.
- 3- Nasr Seyyed Hossein; (1987) Islamic Art
and Spirituality; United States; Suny
press.
- 4- The Holy Quran, Nahl, 80.
- 5-Gai Eaton; (2006) The Earth's Complaint;
edited by Seyyed Hossein Nasr & Kather-
ine O'Brien; the Essential Sophia; World
Wisdom, Inc, from www.worldwisdom.
com.
- 6-Bachelard, Gaston; (1994) The poetics
of space; translated from the French by
Maria Jolas, with a new foreword by John
R. Stilgoe.
- 7-Norberg-Shulz, Christian (1980) Genius
loci: towards a phenomenology of archi-
tecture, New York: Rizzoli.
- 8- Juhani Pallasmaa; (2005) The eyes of the
skin, Architecture and the senses; Lon-
don, Academy Edition: 8-6.
- 9-Yazdani, Leila (?). Human In view of Mul-
laSadra and Heidegger. Journal of the
setare-e sobh, 61.
- 10-Yazdani, Leila (?). Human In view of Mul-
laSadra and Heidegger. Journal of the
setare-e sobh, 61.
- 11-Corbin Henry; (2004) From Heidegger to
Sohravardi, Translated by Hamid Fulad-
vand, Tehran: Ministry of Culture & Islamic
Guidance, Publishing Organization
- 12-Pallasmaa, Juhani (1992) Identiti, Intima-
cy and Domicile: Notes on the phenom-
enology of home, The Concept of Home:

۳۵

شماره ۲-۶
تابستان ۱۳۹۵
فصلنامه
علمی-پژوهشی

نقش
جهان

پژوهشی خانه های سنتی ایرانی از منظر پدیدارشناسان و سنت گرایان معنوی